

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۲۰۰۹.۲۰۰۸

وقتی گزدم ها شروع به خود خوری میکنند

انفجار یک ترک مملو از مواد منفجره بیرون هتل ماریوت در اسلام آباد پاکستان، در حدود یک و نیم کیلو متر دورتر از خانه رئیس جمهور آنکشور و کمتر از یک کیلو متر دورتر از اسمبله ملی پاکستان را میتوان دال بر نیرومندی طالب پاکستانی و حلقه های تروریستی بین المللی مستقر در پاکستان دانست. این انفجار و حمله انتحاری که یکی از شدید ترین حملات تروریستی در پاکستان بود و درست چهار روز بعد از یک حمله تروریستی به سفارت امریکا در یمن اتفاق افتاد، و موجب کشته شدن حداقل پنجاه تن شد، نشان می دهد که روحیه ضد امریکائی نه تنها در میان حلقه های تند رو اسلامی پایان نیافته است، که نفرت این حلقه های نسبت امریکائی ها و به تبع آن نفرت آن ها از پاکستان، به عنوان متعهد امریکا در امر مبارزه با تروریسم، نیز از دیدار یافته است.

پاکستان کشوری که از شروع تأسیس آن، سیاستگذاران آن بازی خطرناکی را با ورق تروریسم و اسلام گرائی و تقویت گروه های اسلامی و پیوند بسیار زیاد نزدیک با عربستان سعودی و دشمنی با هند و افغانستان آغاز نمود، اینک خود در تله ترور و تروریسم و بنیادگرائی و اسلام سیاسی روزبروز بیشتر و بیشتر گیر کرده و همان گونه که خون بیگناهان را در افغانستان و هند و لندن و ... میرخند، با پیکر خون آلود پاکستانی ها روپرو شده است. گرچه پاکستان در مبارزه جهانی علیه تروریسم وعده همکاری داده است، ولی در عمل تا همین امروز به گونه فعال با جامعه جهانی در این راستا همکاری ننموده است.

دولت پاکستان در این زمینه با وجود تلفات کم و بیش یک هزار نفر و هم کشته شدن بینظیر بوتو یکی از رهبران سیاسی این کشور، تا امروز یک سیاست دو گانه را، خصوصاً در مبارزه با طالب افغانی، این خطر بزرگ برای امنیت و آسایش افغانان، بازی نموده است.

پاکستان از سی سال بدین سو در افغانستان سرمایه گذاری سیاسی نموده است. ستون پنجم این کشور در افغانستان، تروریسم و مهره های منفرد در درون نظام و بیرون آن در واقع کارتهای هستند که به خاطر بر آورده شدن سیاست های هژمونیک این کشور در افغانستان، همینطور با هند، که با اولی در مورد خط دیورند و با دومی در رابطه با مسئله کشمیر مشکل دارد، باید مورد استفاده آن کشور قرار گیرند.

همچون برنامه های کلان غالباً از سوی دولت های طرح و عملی می گردند که خود از ثبات کامل بهره داشته باشند. دولت پاکستان برخلاف نمود ظاهری آن خیلی بی ثبات و آسیب پذیر است.

پاکستان، که در طول تاریخ موجودیت خویش از نیروهای تند رو اسلامی با تحریک روحیه مذهبی آن ها علیه همسایه ها استفاده نموده، اینک خود در تله و تور مخوف تروریستی و بنیادگرائی و اسلام سیاسی، که خود پایه گذار و مشوق آن بود گیر نموده است. وجود این حلقه های تروریستی که سبب در دسر دیگران بود، امروز سبب درد سر شدید خود پاکستان نیز شده است.

پاکستان به امریکا قول همکاری برای مبارزه علیه تروریسم داده است، ولی به این قول و تعهد خویش آن گونه که لازم است عمل نمیکند.

دولت دست نشانده امریکا در افغانستان خیلی ضعیف تر از آن است که بتواند مصدر کمکهای چشمگیری به نیروهای بین المللی ضد تروریسم موجود در افغانستان شود. این دولت صرف نظر از اینکه هنوز به پای خود ایستاده نشده است، با مشکلات مختلف و بزرگی دست به گریبان است.

کرزی و خیلی از وکلای مجلس و کارمندان عالی رتبه نظام از تولد سیاسی و دموکرات نبودند و نیستند. اینها نتوانسته اند هنوز یک نظام یک دست، قوی و متحد، قرین با نیازهای شدیدی که فعلاً کشور دارد، بوجود آورند. چنین اتحادی برای مبارزه با بی امنیتی، تروریسم، حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال و آزادی افغانستان از ضروریات اشد و اولیه می باشد؛ ولی دسته ها و گروه های خود محور و غیرملی و سوداگر هرگز متوجه این ضرورت و متوجه خطرهای مهلکی که موجودیت و ثبات کشور را تهدید میکنند، یا نیستند و یا این که آینده کشور و خاک و مردم برای شان حایز اهمیت چندانی نیست.

گذشته از پراکندگی و تشتت و خود سری ها در ارگانهای سه گانه دولت، وجود اقوام و مذاهب و احزاب مختلف، بعضاً وابسته به بیگانگان و آشوبگر، درد سردیگری هستند برای دولت کرزی و قوای ائتلاف، که از توانائی های آن ها در مبارزه علیه تروریسم میکاهد.

با همه این ها، ولی خطر جدی تر از خطر تروریسم فعلاً برای افغانستان و هندوستان و جهان و هم برای پاکستان وجود ندارد. برای مقابله با این خطر همکاری میان افغانستان و پاکستان و هم قوای ائتلاف باید جدی گرفته شود.

پاکستان باید بالاخره به این حقیقت تن در دهد، که بنیادگرایی و تروریسم و تقویه بنیادگرایی و تروریسم راه حل و راه رسیدن به مقاصد استراتژیک و توسعه طلبانه آن کشور نمیباشد.

حلقه های که تا دیروز گوش به فرمان آن کشور بودند و به هدایت آی. اس. آی امنیت افغانستان و هند و ... را به چالش میکشیدند و بیگناهان بیشماری را در این کشورها به کام مرگ میفرستادند، اینک امنیت و ثبات خود آن کشور را تهدید میکنند. اولین کسانی که از نبود ثبات و امنیت در پاکستان ابراز تشویش نمودند صاحبان و سرمایه گذاران یکی از بزرگ ترین فابریکه های نساجی در پاکستان بودند که سالانه به مقدار کم و بیش ده میلیارد دالر تکه تولید میکند و چندین صد هزار کارگر و عمله دارد.

پاکستان باید بپذیرد که گژم ها شروع به خود خوری نموده اند و دیگر تنها دولت ها و مردمان بی گناه افغانستان و هند، اروپائیان در لندن و مادرید، و افریقائیان در کازابلانکا هدف تروریسم قرار نمیگیرند، که " پدرخوانده ها " (خود پاکستان) نیز به دشمن تروریست ها تبدیل شده و مورد حمله آنها قرار میگیرند. پاکستان باید به این درک رسیده باشد که بخواهد یا نخواهد باید نگرش و موضع گیری اش را در قبال طالب، القاعده و سایر گروه های دهشت افکن تغییر بدهد و در یک اتحاد منضبط و قوی جهانی جلو این همه ترور و بد امنی و کشتار بیگناهان را در سرتاسر جهان، بخصوص در هند و افغانستان بگیرد.

حمله تروریستی به هتل سرینا در کابل، و حمله دلخراش به سفارت هند در کابل، برای افغانان و هندی ها همان قدر دردناک بوده است، که حمله به هتل ماریوت اسلام آباد برای پاکستانی ها.

امیدوارم پاکستانی ها حال متوجه رنج، غم و درد افغانانی که در همچو حوادث دلخراش عزیزان شان را از دست میدهند، شده باشند!

گرچه خود کرده را نه دردی است و نه دوایی، ولی قربانیان بیگناه و صحنه های دلخراش همچو حملات تروریستی در هر کجا که باشد، حتی در کشوری که پایگاه و پناه گاه و مشوق همین تروریستان قسی القلب باشد، انسان را متأثر میسازد.

اقای زرداری باید به جای هشدار دادن به امریکائی ها و اعلام این مطلب که پاکستان نقض حاکمیت و تمامیت ارضی آنکشور را توسط هیچ قدرتی به اسم مبارزه با تروریسم تحمل نخواهد کرد، اقدام به محو این غده خبیثه کند و این حقیقت را بپذیرد، که دیگران هم اجازه نخواهند داد که خاک پاکستان به مثابه پایگاه تروریسم و حملات تروریستی به خاک دیگران مورد استفاده قرار گیرد.

اگر دولت پاکستان تروریستان را تمویل و تغذیه و تجهیز نموده بخاک دیگران گسیل کند، دیگران هم به خود این حق را میدهند که از حق شان دفاع کنند.

دولت پاکستان نه کر است و نه کور! ما مطمئن هستیم که دولتمردان پاکستانی سخنرانی رهبران طالب پاکستانی، از جمله سخنرانی بیت الله محسود را در نشست چند هزار نفری در وزیرستان، و مصاحبه وی را با گذارش گران هم شنیده اند و هم دیده اند!

این شخص در روز روشن، زیر ریش دولت پاکستان جهان را تهدید میکند و علیه دیگران توطئه میچیند. اینها در درون آنچه امروز خاک پاکستان خوانده می شود، زندگی می کنند و از درون آنچه امروز خاک پاکستان نامیده میشود، علیه کشور های همسایه، علیه پاکستان و علیه بشریت می جنگند. پاکستان باید به عواقب همچون فعالیت ها و اینکه این فعالیت ها از کجا اداره و رهبری و برنامه ریزی و تمویل میشوند جداً تعمق کند! وجود این خراب کاران در پاکستان، پاکستان را بعنوان یک کشور حامی تروریستان در برابر جهان قرار میدهد. جهان هم ناگذیر است که به نوعی جواب مثبت را بامشّت بدهد.

انتظاری غیر از این از جهان، نشانه حماقت پاکستان است!